

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات^۱

جواد تقی زاده *

حسن بانسی **

چکیده

شورای نگهبان در مقام صیانت از اصل تفکیک قوا حضور بالاترین مقام قضایی محل در هیأت اجرایی انتخابات، انحصار مرجع اعلام غیرقانونی بودن احزاب، سازمانها و گروهها به محاکم قضایی و واگذاری نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی به نمایندگان مجلس را مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی اعلام کرده است، که به نظر می‌رسد مورد اخیر با قانون اساسی مغایرت ندارد. همچنین شورای نگهبان در چند مورد با استناد به اصول ۶۴، ۸۵ و ۱۰۰ قانون اساسی اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی را مغایر با قانون اساسی شناخته است. شورای نگهبان در مقام صیانت از اصل برابری با ایراد تبعیض ناروا برخی از مصوبات انتخاباتی مجلس را به دلیل ایجاد نابرابری بین داوطلبان در شرایط انتخاب پذیری، نابرابری بین داوطلبان در انتخاب ناپذیری نسبی، نابرابری بین داوطلبان در برخورداری از خدمات عمومی و نابرابری بین حاضران در پای صندوق های رأی مغایر با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اعلام کرده است. صیانت شورای نگهبان از قانون اساسی در برابر مصوبات انتخاباتی مجلس نخستین گام برای تضمین سلامت انتخابات است.

واژگان کلیدی: تفکیک قوا، برابری، شورای نگهبان، انتخابات، نظارت اساسی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۵

* دانشیار حقوق عمومی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول مقاله)

jtaghizadehd@yahoo.com

** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه مازندران

مقدمه

تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر خودمختاری و آزادی اراده شهروندان به تامین برخی پیش زمینه‌ها از جمله انتخابات نیازمند است.^۲ انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تعبیه شده است.^۳ اندیشه مهار قدرت و انتخابی بودن فرمانروایان در باورهایی مانند فسادآور بودن قدرت و لزوم پرهیز از تمرکز قدرت در دست یک نهاد یا مقام واحد ریشه دارد.^۴ تمرکز قدرت و استبداد، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی اراده است و لذا برای صیانت از حقوق و آزادی افراد، قدرت باید در بین قوا تفکیک گردد تا با توازن و تعادل قوا از تمرکز قدرت جلوگیری شود.^۵ تفکیک قوا راهکاری است که برای سرشکن نمودن و مهار قدرت ارائه شده است. نویسندگان اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ اصل تفکیک قوا را الزام آورترین اصول حقوق اساسی دانسته‌اند.^۶ جان لاک و مونتسکیو، دو تن از نظریه‌پردازان اندیشه سیاسی سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، از طرفداران ایده تفکیک قوا بوده‌اند. هر دو اندیشمند اعتقاد داشتند که برای جلوگیری از «استبداد» باید به وسیله تفکیک قوا میان عناصر و قوای حکومت توازن ایجاد شود و گرنه عملاً نمی‌توان برای جامعه هیچگونه «آزادی» متصور شد.^۷ برای تامین آزادی افراد تفکیک قوا و مهار قدرت کافی نیست زیرا آزادی واقعی وقتی تامین می‌شود که حقوق برابر افراد در قانون تضمین شده

۲. خسروی، حسن، **حقوق انتخابات دموکراتیک**، تهران، مجد، ۱۳۸۸، ص ۸۲.

۳. قاضی، سید ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، میزان، ۱۳۸۲، ص ۶۷۹.

۴. قاضی، سید ابوالفضل، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران، میزان، چاپ هجدهم، ۱۳۸۴، صص ۱۶۳-۱۶۰.

۵. لک زایی، شریف، «مفهوم تفکیک قوا در ایران»، **مجله علوم سیاسی**، شماره ۲۷، ۱۳۸۳، ص ۲۶.

۶. قاضی، سید ابوالفضل، همان، ص ۱۶۰.

۷. همان، ص ۱۶۲.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

باشد. ژان ژاک روسو اصل برابری را غایت قانونگذاری می‌داندست و اعتقاد داشت که بدون این اصل، آزادی تحقق نمی‌یابد. لذا برابری را می‌توان بنیان آزادی و به عنوان حق حامی یا حق برتر نسبت به سایر حقوق بنیادین دانست.^۸ حس برابری جویی در افراد تا آن حد نیرومند است که بر سر دو راهی انتخاب دو ارزش آزادی و برابری، افراد حاضرند به خاطر برابری از آزادی خود چشم‌پوشند ولی به نابرابری تن در ندهند.^۹ اصل برابری در ماده‌ی ۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ فرانسه به شرح ذیل تجلی یافته است: "انسان‌ها آزاد و برابر در حقوق متولد می‌شوند و باقی می‌مانند." اصل برابری در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ملل متحد و اعلامیه راجع به معیارهای انتخاب آزاد و منصفانه مصوب اجلاس ۱۵۴ شورای اتحادیه بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ نیز شناسایی شده است.^{۱۰}

اصول تفکیک قوا و برابری دو مورد از مهم‌ترین اصول اساسی جهت برگزاری صحیح و منصفانه انتخابات می‌باشند زیرا عدم تامین برابری در حقوق انتخاباتی به تضییع حقوق انتخابات کنندگان و انتخاب شوندگان منجر می‌شود و عدم رعایت اصل تفکیک قوا در حقوق انتخابات باعث ورود نهادهای برگزار کننده انتخابات به حوزه‌های صلاحیت یکدیگر و به تبع آن تضییع حقوق انتخاباتی می‌گردد. اصول تفکیک قوا و برابری از مهم‌ترین اصول مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. نقض اصول تفکیک قوا و برابری توسط قانون‌گذار عادی در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه انتخابات امکان‌پذیر است و صیانت از این اصول و سایر قواعد مقرر در قانون اساسی مطابق اصل ۹۱ قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان است. بررسی نظریات شورای نگهبان در مقام دادرسی (نظارت) اساسی^{۱۱} بر

^۸. خسروی، حسن، همان، ص ۲۳۱.

^۹. طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸.

^{۱۰}. شهبازی، خیرا...، «بررسی شرایط انتخاب شوندگان در حقوق ایران»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۷۸-۱۷۷.

^{۱۱}. دادرسی اساسی برگردان فارسی اصطلاح فرانسوی Justice constitutionnelle

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

مصوبات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که اصول تفکیک قوا و برابری در حوزه‌ی انتخابات از نظر شورای نگهبان بسیار با اهمیت می‌باشند. نظریات شورای نگهبان علاوه بر صیانت از وجوه مختلف اصل برابری می‌توانند باعث روشن‌تر شدن مرزهای صلاحیت قوای مختلف در جریان انتخابات گردند و موجبات سلامت انتخابات را بهتر فراهم نمایند.

۱- صیانت از اصل تفکیک قوا در نظریات شورای نگهبان

تفکیک قوا، تجزیه اقتدارات حکومت است به سه جزء مقننه، مجریه و قضائیه به گونه‌ای که قوه‌ی قانون‌گذاری تنها صلاحیت وضع قانون دارد، قوه مجریه موظف به اجرای قوانین و قوه قضائیه مکلف به حل اختلافات می‌باشد^{۱۲}. نظریه تفکیک قوا اولین بار توسط ارسطو در کتاب معروف «سیاست» مطرح شد^{۱۳}. اما اصل تفکیک قوا به ترتیبی که امروزه حقوقدانان و علمای سیاست از آن بهره می‌گیرند، دستاورد قرون هفدهم و هجدهم میلادی است^{۱۴}. مفاد چند اصل از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مسائلی می‌پردازند که با بحث تفکیک قوا و صلاحیت‌های قوای مقننه، مجریه و قضائیه ارتباط دارند. اصل پنجاه و هفتم مهم‌ترین اصل قانون اساسی است که بحث تفکیک قوا در آن مطرح شده است. این اصل مقرر می‌دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آئینده این قانون

است و به معنای مجموعه راهکارها و روش‌هایی است که برای تضمین صیانت از قانون اساسی در برابر هنجارهای فرودین به ویژه مصوبات مجلس قانونگذاری به کار می‌رود. چنین مرجعی که به اعمال دادرسی اساسی می‌پردازد قاضی اساسی نام دارد. (نک: فاورو، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۱ و مجری، ۱۳۸۸: ۵۰۸).

^{۱۲} بوشهری، جعفر، **حقوق اساسی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۳۳۰.

^{۱۳} قاضی، سید ابوالفضل، همان.

^{۱۴} بهنیا، مسیح، «تفکیک قوا در عمل، نگاهی اجمالی به مدل‌های تفکیک قوا در سه کشور ایران، امریکا، و فرانسه»، **مجلس و پژوهش**، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۴۰.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». اصول پنجاه و هشتم، شصتم و شصت و یکم قانون اساسی نیز به صلاحیت‌های هر یک از قوای مقننه، مجریه و قضائیه می‌پردازند^{۱۵}. به علاوه برخی دیگر از اصول قانون اساسی از جمله اصول شصت و چهارم، هشتاد و پنجم و یکصدم قانون اساسی نیز اشاراتی به صلاحیت‌های هر یک از قوای سه‌گانه دارند. اصول اخیر به همراه اصل ۵۷ قانون اساسی مستند شورای نگهبان برای اعلام مغایرت برخی از مصوبات انتخاباتی مجلس با قانون اساسی بوده‌اند.

اعطای صلاحیت اجرایی به مقام قضایی، نفی صلاحیت ولایی رهبری و اعطای صلاحیت نظارتی به مجلس شورای اسلامی دلایل ایراد شورای نگهبان بر مصوبات انتخاباتی مجلس و استناد به اصل ۵۷ قانون اساسی بوده‌اند. همچنین شورای نگهبان با استناد به اصول ۶۴، ۸۵ و ۱۰۰ قانون اساسی ایراد اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی را بر تعدادی از مصوبات انتخاباتی مجلس وارد نموده‌است.

۱-۱- ایراد اعطای صلاحیت اجرایی به مقام قضایی

ماده ۳۲ لایحه تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ مقرر می‌داشت: «به منظور برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک، هیأت اجرایی شهرستان به ریاست فرماندار و

^{۱۵}. اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد». اصل شصتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است». اصل شصت و یکم قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد».

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

عضویت بالاترین مقام قضایی محل، رئیس اداره ثبت احوال، رئیس اداره آموزش و پرورش و هفت نفر از معتمدان محدوده شهرستان تشکیل می‌شود»^{۱۶}. شورای نگهبان عضویت بالاترین مقام قضایی محل در هیأت اجرایی را مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی دانست^{۱۷}.

ماده‌ی فوق در مقام تعیین اعضای هیأت اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی محلی بوده است. اجرای انتخابات به عنوان یکی از امور اجرایی بر اساس اصل شصتم قانون اساسی در صلاحیت قوه مجریه است. هیأت‌های اجرایی انتخابات به عنوان زیر مجموعه‌های وزارت کشور جزء قوه‌ی مجریه کشور می‌باشند. صدر اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم را شناسایی کرده است و ذیل آن قوای مقننه، مجریه و قضائیه را مستقل از یکدیگر می‌داند. بنابراین اجرای انتخابات باید در انحصار قوه مجریه باشد. عضویت بالاترین مقام قضایی محل در هیأت‌های اجرایی انتخابات به معنای ورود قدرت قضایی در حوزه صلاحیت قوه‌ی مجریه و ناقض ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی و اصل تفکیک قواست. در پی ایراد شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی عبارت «بالاترین مقام قضایی» را از ماده‌ی ۳۲ فوق‌الذکر حذف کرد^{۱۸}.

۱-۲- ایراد نفی صلاحیت ولایی رهبری

بند ۴ ماده‌ی ۳۰ موضوع ماده ۱۴ لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ توسط شورای نگهبان مغایر با اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی شناخته شد. مطابق مصوبه مذکور «ادامه‌ی عضویت در احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها بعد از غیر قانونی اعلام شدن در محاکم قضائی مستنداً به نظر کارشناسی وزارت اطلاعات» یکی از موارد انتخاب‌ناپذیری داوطلبان نمایندگی

^{۱۶} مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی،

تهران، دادگستر، ج ۱۰، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵، ص ۷۹۰.

^{۱۷} همان، ص ۷۹۹.

^{۱۸} همان، ص ۸۰۱.

انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است^{۱۹}. شورای نگهبان انحصار مرجع اعلام غیرقانونی بودن احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها به محاکم قضایی را خلاف موازین شرع و اصل ۵۷ قانون اساسی اعلام کرد^{۲۰}. از نظر شورای نگهبان اینگونه استنباط می‌شود که علاوه بر محاکم قضایی مرجع یا مراجع دیگری نیز می‌توانند احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها را غیرقانونی اعلام نمایند. به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی قوای سه‌گانه تحت نظر «ولایت مطلقه امر» اعمال می‌گردند. ظاهراً نظر شورای نگهبان این است که مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی ولی فقیه نیز می‌تواند احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی را غیرقانونی اعلام نماید و از این طریق مانع انتخاب‌پذیری اعضای آنها در انتخابات گردد. لذا بند ۴ فوق‌الذکر را به دلیل نفی صلاحیت ولایی رهبری و اختیارات وی مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی و موازین شرع دانست. اعلام غیر شرعی بودن متن فوق نیز به این دلیل است که بر اساس نظر شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم ولی فقیه در عداد موازین شرع می‌باشد^{۲۱}.

بررسی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی دلالت بر جایگاه رفیع مقام رهبری به عنوان مقام مافوق قوای سه‌گانه دارد. اعضای شورای بازنگری قانون اساسی علاوه بر بیان «ولایت» مقام رهبری بر قوای سه‌گانه، با اشاره به تجربه‌ی ۱۰ ساله حکومت جمهوری اسلامی و مشکلات و بن‌بست‌هایی که تنها با ورود مقام رهبری خاتمه یافته‌اند به لزوم اختیار رهبری برای ورود به صلاحیت قوای سه‌گانه در مواقع ضروری و حل مشکلات پیچیده نظام تصریح نموده و برای تأمین این منظور عبارت «ولایت مطلقه امر» را جایگزین عبارت «ولایت امر» در اصل ۵۷

^{۱۹} نک: مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۶، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳.

^{۲۰} نک: همان، ص ۲۲۸.

^{۲۱} نک: هداوند، مهدی، اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

قانون اساسی کرده‌اند^{۲۲}. برخی از مصادیق اعمال ولایت مطلقه امر به عنوان بخشی از دغدغه‌های اعضای شورای بازنگری قانون اساسی در زمره‌ی وظایف و اختیارات رهبری از جمله در بندهای ۷ و ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی («حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» و «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام») تصریح شده‌اند.

۱-۳- ایراد اعطای صلاحیت نظارتی به مجلس شورای اسلامی

ماده ۵۳ لایحه تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ به دلیل تعیین نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی و سایر اصول مربوط به وظایف مجلس اعلام گردید^{۲۳}. این ماده مقرر می‌داشت: «به منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری متشکل از سه نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور و دو نفر از اعضای کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌گردد»^{۲۴}. پیرو ایراد شورای نگهبان بر این مصوبه، مجلس شورای اسلامی این ماده را حذف نمود که با حذف آن نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی مطابق با قانون مصوب ۱۳۶۵ انجام می‌شود. نظارت نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی در قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات

^{۲۲}. نک: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۹۹ - ۳۰۰ و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۲، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۰، صص ۷۰۰ - ۷۰۱).

^{۲۳}. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج

۱۰، همان، ص ۷۹۹.

^{۲۴}. همان، ص ۷۹۱.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۹ پیش‌بینی و مستقر شده‌است زیرا در آن زمان با ایراد شورای نگهبان مواجه نگردید.

دلیل اعلام مغایرت ماده ۵۳ فوق‌الذکر با اصل ۵۷ قانون اساسی توسط شورای نگهبان معلوم نیست زیرا مقنن اساسی مرجع نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی را تعیین نکرده‌است. حتی اگر مقنن عادی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی را بر عهده‌ی مرجعی غیر از هیأت متشکل از نمایندگان منتخب مجلس می‌گذاشت شورای نگهبان می‌توانست ایراد کند که وظیفه‌ی نظارتی وی بر انتخابات شوراهای اسلامی در قانون اساسی تعیین نشده‌است. لذا استدلال عدم پیش‌بینی نظارت مجلس شورای اسلامی بر انتخابات شوراها در قانون اساسی نمی‌تواند دلیل محکمی برای ممنوعیت تعیین صلاحیت نظارتی نمایندگان مجلس بر انتخابات شوراهای محلی باشد به ویژه آنکه مطابق اصول هفتم و یکصدم قانون اساسی تعیین تکلیف در خصوص نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی با قانون است. به موجب ذیل اصل هفتم قانون اساسی «طرز تشکیل» شوراها و به موجب ذیل اصل یکصدم قانون اساسی «نحوه انتخاب» شوراهای اسلامی را قانون تعیین می‌کند. پس مقنن عادی می‌تواند هر مرجعی را که خود مناسب تشخیص می‌دهد برای نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی تعیین نماید. به علاوه، اعطای صلاحیت نظارت بر انتخابات به پارلمان در برخی از نظام‌های حقوقی رایج است.^{۲۵} لذا به نظر می‌رسد که بر خلاف نظر شورای نگهبان ماده ۵۳ لایحه فوق‌الذکر با قانون اساسی مغایرت نداشته‌است.

برخی از حقوقدانان^{۲۶} با استناد به اصول ۶ و ۹۹ قانون اساسی معتقدند که صلاحیت نظارتی شورای نگهبان بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی را می‌توان دارای وجاهت اساسی دانست زیرا نظارت بر مراجعه به آرای عمومی در اصل ۹۹

^{۲۵} قاضی، سید ابوالفضل، همان، ص ۷۱۹.

^{۲۶} تقی زاده، جواد، تقریرات درس تحولات حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نیمسال دوم تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸.

قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است و مطابق اصل ۶ قانون اساسی نیز آراء عمومی اعم از انتخابات یعنی انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها و همه پرسی است. این برداشت در صورتی درست خواهد بود که با نظر قانون گذار اساسی مغایرت نداشته باشد. بررسی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی حکایت دارد که منظور قانون گذار اساسی از مراجعه به آرای عمومی همان همه پرسی است که در آن زمان بیشتر واژه «رفراندوم» برای آن استفاده می شد^{۲۷}. بررسی مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز نشان می دهد که اعضای شورا عبارت «مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی» را به صورت یکسان و در یک معنا به کار می بردند و به نظر آنان واژه همه پرسی «عطف تفسیر» برای عبارت «مراجعه به آرای عمومی» بوده است^{۲۸}. لذا عبارت مراجعه به آرای عمومی مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی به معنای همه پرسی است و با استناد به اصول ۶ و ۹۹ قانون اساسی نمی توان صلاحیت نظارتی شورای نگهبان بر انتخابات شوراها را استنباط کرد.

به علاوه، شورای نگهبان اخیراً به حصری بودن وظایف خویش در نظارت بر سلامت رأی گیری های عمومی به موارد مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی نظر داده است. آقای دکتر عباس کدخدایی سخنگوی وقت شورای نگهبان در پاسخ به این سوال خبرگزاری فارس که «اگر مجلس شورای اسلامی طرحی را تصویب کند که به موجب آن نظارت بر انتخابات شورای شهر و روستا نیز به عهده شورای نگهبان باشد، آیا شورا آن را تأیید می کند یا خیر؟» اظهار داشت: «قاطعانه عرض می کنم دوستان برای مجلس هشتم می خواستند چنین کاری را بکنند و خیلی هم اصرار داشتند و در این راستا مصوبه ای هم تصویب کردند که شورای نگهبان آن را مغایر با

^{۲۷} نک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۲، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۶۴، ص ۹۶۹.

^{۲۸} نک: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۴۶۰، ۱۴۶۱ و ۱۵۹۸.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

اصل ۹۹ دانست. چون قانون اساسی انتخابات مربوط به خبرگان، مجلس، ریاست جمهوری و همه‌پرسی را به عهده‌ی شورای نگهبان دانسته است و نظارت شورای نگهبان بر انتخابات شورای شهر و روستا در قانون ذکر نشده است. اعضای شورای نگهبان معتقدند که نظارتی که در اصل ۹۹ قانون اساسی آمده، به اصطلاح حقوقدانان حصری است و چون حصری است مجلس نمی‌تواند چیزی به آن اضافه کند»^{۲۹}.

۱-۴-۱- ایراد اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی

شورای نگهبان با استناد به اصول ۶۴، ۸۵ و ۱۰۰ قانون اساسی ایراد اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی و در نتیجه نقض اصل تفکیک قوا را بر تعدادی از مصوبات انتخاباتی مجلس وارد نموده است.

۱-۴-۱- استناد به اصل ۶۴ قانون اساسی

ماده ۱ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۵ که مقرر می‌داشت: «وزارت کشور می‌تواند در موارد ضروری با تصویب هیأت وزیران بخش‌های حوزه انتخابیه‌ای را که تابع شهرستان دیگر باشند از لحاظ حوزه‌ی انتخابیه، تابع شهرستان خود گرداند» به دلیل مغایرت با اصل ۶۴ قانون اساسی مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت^{۳۰}. مطابق ذیل اصل ۶۴ قانون اساسی «محدوده‌ی حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند». قانون هنجار حقوقی درجه‌ی دوم است که توسط قوه مقننه وضع می‌گردد و مصوبات هیأت وزیران از هنجارهای حقوقی درجه‌ی سوم می‌باشند که اصل ۱۳۸ قانون

^{۲۹} نک: آرشیو اخبار خبرگزاری فارس، گروه سیاسی، حوزه انتخابات، تاریخ ۱۳۹۰/۵/۸، شماره ۹۰۰۵۰۵۱۳۷۱.

^{۳۰} نک: مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۱۰، همان، صص ۱۱۰۸-۱۰۹۶.

اساسی آنها را آیین‌نامه و تصویب‌نامه نام نهاده است.^{۳۱} واگذاری صلاحیت تقنینی قوه‌ی مقننه به هیأت وزیران به عنوان زیر مجموعه‌ی قوه مجریه به منظور تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه مغایر با ذیل اصل ۶۴ و نیز اصل ۵۸ قانون اساسی است. زیرا مطابق اصل ۵۸ قانون اساسی اعمال قوه‌ی مقننه در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مجلس شورای اسلامی تاکنون با استفاده از حدود جغرافیایی یک یا چند شهرستان و بخش حوزه‌بندی انتخاباتی مجلس را انجام داده است. اندیشه استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس نیز به تصویب طرح‌هایی در مجلس شورای اسلامی منجر شده است^{۳۲} که به دلیل مواجه شدن با ایرادات شورای نگهبان به نتیجه نرسیده‌اند. امکان تفویض صلاحیت تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه توسط مجلس به هیأت وزیران نیز وجود ندارد زیرا تفویض اختیار قانون‌گذاری توسط مجلس به دولت مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی^{۳۳} فقط در خصوص تصویب اساسنامه دائمی شرکت‌ها، سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت امکان‌پذیر است.

۱-۴-۲- استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی

تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۶ موضوع ماده‌ی ۲۵ طرح یک فوریتی اصلاح قانون

۳۱. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد...»

۳۲. تقی‌زاده، جواد و ضرغامی، شبیر، «استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۸، ص ۴۷.

۳۳. اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد.»

تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۴ که مقرر می‌داشت: «داوطلبین شورای شهر موظف هستند هنگام ثبت‌نام، مبلغی را که دولت تعیین می‌کند به حساب اعلام شده تودیع نمایند»^{۳۴} توسط شورای نگهبان مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی اعلام گردید. از نظر شورای نگهبان در این تبصره میزان ودیعه و یا ضابطه تعیین آن مشخص نشده است و این موارد از اموری است که نیاز به تقنین دارد، لذا تبصره‌ی مذکور مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.^{۳۵} به نظر شورای نگهبان برای اخذ ودیعه از داوطلبان انتخابات شوراهای اسلامی شهر لازم است که قانون مبلغ ودیعه و یا ضابطه‌ی تعیین آن را مشخص نماید تا بر اساس آن، قوه مجریه که مسئول اجرای قانون است، اقدام کند. ایراد شورای نگهبان مبنی بر اینکه واگذاری امور تقنینی به هیأت وزیران مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است وارد می‌باشد زیرا به موجب اصل ۸۵ «مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند». قانون‌گذار اساسی در اصل ۸۵ استثنائاتی بر اطلاق ممنوعیت تفویض اختیار قانون‌گذاری مجلس وارد کرده است؛ ولی این استثنائات واگذاری اختیار تعیین مبلغ ودیعه برای شرکت در انتخابات به دولت را شامل نمی‌شود. البته در اصل ۸۵ قانون اساسی عبارتی وجود ندارد تا بر این مدعای شورای نگهبان دلالت کند که «تعیین میزان مبلغ یا ضابطه تعیین آن نیاز به تقنین دارد». تبصره‌ی مورد ایراد شورای نگهبان مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی است که تعیین نحوه‌ی انتخاب و شرایط انتخاب شوندگان در شوراهای اسلامی محلی را بر عهده‌ی قانون گذاشته است. تعیین میزان ودیعه یا ضابطه تعیین آن به منظور داوطلبی در انتخابات شورای شهر به استناد اصل ۱۰۰ قانون اساسی از امور تقنینی است و مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند، با توجه به صراحت اصل ۸۵ قانون اساسی، صلاحیت خویش در این خصوص را به قوه مجریه

^{۳۴}. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۶،

همان، ص ۹۸.

^{۳۵}. همان، ص ۱۱۹.

واگذار کند.

مبنای تقنینی بودن امری چون تعیین میزان مبلغ ودیعه یا ضابطه تعیین آن را می‌توان در مبانی حقوق اساسی نیز یافت. مهم‌ترین فلسفه تفکیک قوا و تقسیم صلاحیت‌ها، مهار قدرت است. در این میان قدرت اجرایی بیش از سایر قوا در مظان اتهام قرار دارد. لذا انتظار این است که قوه مجریه مجری قانون باشد نه اینکه قانون وضع کند. اگر اختیار وضع قانون به مجری آن سپرده شود نهاد اجرایی، تبدیل به قدرتی افسارگسیخته خواهد شد که به صورت دلبخواه حکمرانی خواهد کرد و در این فرایند البته قوانینی غیرمنصفانه وضع و اجرا خواهد نمود که باعث ستم به شهروندان، محدود نمودن بی‌مورد آزادی‌های آنان و تضییع حقوق‌شان خواهد شد.^{۳۶} جان لاک معتقد است که اگر آنانی که قدرت قانون‌گذاری را دارند، قدرت اجرایی را نیز داشته باشند وسوسه خواهند شد تا از قدرت سوء استفاده کنند و مآلاً در خلاف هدف جامعه به منافع سوای منافع افراد جامعه می‌اندیشند.^{۳۷} پذیرش عدم صلاحیت وضع قانون توسط قوه‌ی مجریه به معنای محرومیت این قوه از اختیار وضع آیین‌نامه و تصویب‌نامه نیست. آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی به منظور تأمین اجرای قوانین مصوب قوه مقننه، انجام وظایف اداری و یا تنظیم سازمان‌های اداری وضع می‌شوند. آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها به مسائل کلان مربوط نمی‌باشند بلکه مسائل فنی و ریزتر را شامل می‌شوند و لذا وضع آنها خارج از توانایی و حوصله‌ی قوه مقننه است. قوه‌ی مجریه که درگیر در مسائل اجرایی است دارای تخصص بیشتری برای وضع آیین‌نامه است که به همین دلیل نیز وضع آیین‌نامه به این قوه واگذار شده‌است.^{۳۸} آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مصوب دولت نباید مخالف متن و روح قوانین باشند.^{۳۹}

^{۳۶} عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲، صص ۳۲۱-۳۲۰.

^{۳۷} قاضی، سید ابوالفضل، پیشین، ص ۱۶۱.

^{۳۸} طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۲۸۸.

^{۳۹} اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌ها یا اجرای

۱-۴-۳- استناد به اصل ۱۰۰ قانون اساسی

تبصره ۲ ماده ۲ طرح قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۷/۱ مقرر می‌داشت: «وزارت کشور آیین‌نامه مربوط به نحوه انتخابات را حداکثر دو ماه پس از تصویب این قانون تهیه و به تصویب وزیر کشور خواهد رساند»^{۴۰}. شورای نگهبان تبصره‌ی فوق را به این دلیل که تعیین نحوه انتخابات را به عهده‌ی آیین‌نامه مصوب وزیر کشور قرار می‌داد، مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی اعلام کرد^{۴۱}.

اصل یک‌مقدم قانون اساسی برخی قواعد حقوقی مربوط به تشکیل شوراهای اسلامی محلی را پیش‌بینی نموده است. مطابق ذیل این اصل "نحوه‌ی انتخاب" شوراهای اسلامی را قانون تعیین می‌کند اما طرح مصوب مجلس شورای اسلامی تعیین "نحوه انتخابات" شوراها را به عهده‌ی آیین‌نامه‌ی مصوب وزارت کشور می‌گذاشت. عبارت «نحوه‌ی انتخابات» در تبصره‌ی ۲ مصوب مجلس مشابه عبارت «نحوه‌ی انتخاب» است که اصل ۱۰۰ قانون اساسی تعیین آن را به قانون واگذار کرده‌است. استفاده ناصواب از عبارت «نحوه‌ی انتخابات» در تبصره مصوب مجلس شورای اسلامی، سبب شد تا شورای نگهبان آن را مغایر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی اعلام کند.

قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد». به علاوه: مطابق ذیل اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی: «مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد».

^{۴۰}. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵)، ج ۱، تهران، دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۲۷۱.

^{۴۱}. نک: همان، ص ۲۷۰.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

بسیاری از اصول قانون اساسی با اصل تفکیک قوا و صلاحیت‌های قوای سه گانه مرتبط می‌باشند که این موضوع زمینه‌ی صیانت از اصل تفکیک قوا توسط شورای نگهبان در حوزه‌ی انتخابات را فراهم نموده‌است، اما شورای نگهبان در مقام صیانت از اصل برابری معمولاً به بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی استناد کرده‌است.

۲- صیانت از اصل برابری در نظریات شورای نگهبان

معنای برابری آن است که افراد جامعه در شرایط مساوی از امکانات و امتیازات مساوی بهره‌مند گردند. تبعیض ناروا آن است که در یک صنف خاص در جامعه برغم وجود شرایط مساوی، برای برخی از افراد امتیازات بیشتری وجود داشته باشد^{۴۲}. مطابق اصل برابری، شهروندان فارغ از ویژگی‌های خویش نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه‌ی اجتماعی، تحت سیطره‌ی نظام حقوقی واحدی قرار می‌گیرند^{۴۳}. اصل برابری را می‌توان به سه دسته‌ی برابری در قانون، برابری در مقابل قانون و برابری در برابر محاکم طبقه‌بندی کرد. مقصود بحث حاضر از برابری، برابری در قانون است و مقصود از برابری در قانون یعنی "قانون باید به گونه‌ای وضع شود که در آن شائبه تبعیض ناروا و برتری گروهی بر گروه دیگر وجود نداشته باشد"^{۴۴}.

قوانین اساسی از جمله نخستین اسناد حقوقی می‌باشند که مفهوم برابری در آنها تجلی می‌یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با پیش‌بینی چند اصل، برخی از جنبه‌های اصل برابری از جمله برابری در برخورداری از حقوق سیاسی را

^{۴۲}. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، فردا، ۱۳۸۶، ص ۴۶۴.

^{۴۳}. ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، **حقوق اساسی**، شماره ۲، ۱۳۸۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۹.

^{۴۴}. کریم زاده، طیبه، **اصل برابری در حقوق انتخابات سیاسی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شهریور ۱۳۹۰، صص ۲۸-۲۷.

شناسایی کرده‌است. اصل نوزدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». مطابق اصل بیستم قانون اساسی «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». به علاوه، بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی «رفع تبعیضات ناروا» و «تأمین تساوی عموم در برابر قانون» را از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. ایرادات شورای نگهبان مبنی بر وجود نابرابری و تبعیض ناروا در مصوبات انتخاباتی مجلس تاکنون به منظور صیانت از برابری بین داوطلبان و صیانت از برابری بین حاضرین پای صندوق‌های رای بوده‌است. در خصوص صیانت از برابری بین انتخاب‌کنندگان تاکنون شورای نگهبان نظریه‌ای نداشته‌است.

۲-۱- صیانت از برابری بین داوطلبان

برخورداری از حق انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی را در یک چشم‌انداز کلی می‌توان مرهون اجتماع دو دسته شرایط دانست. دسته اول، شرایطی است که هدف آنها فراهم نمودن امکان تصدی مسئولیت انتخابی فقط برای افراد دارای قابلیت‌های لازم جهت انجام مطلوب نمایندگی مورد نظر است که آنها را می‌توان شرایط ایجابی، مثبت یا شرایط انتخاب‌پذیری نام نهاد. دسته دوم شرایطی است که هدف آنها اصولاً جلوگیری از داوطلبی افرادی است که از شایستگی‌های سیاسی و اجتماعی لازم جهت تصدی مسئولیت انتخابی برخوردار نیستند یا اینکه داوطلبی آنها آزادی رأی دهندگان و برابری داوطلبان را نقض می‌کند که آنها را می‌توان شرایط سلبی، منفی یا موارد انتخاب‌ناپذیری نام‌گذاری کرد^{۴۵}. موارد انتخاب‌ناپذیری را می‌توان به دو دسته‌ی موارد انتخاب‌ناپذیری نسبی و موارد انتخاب‌ناپذیری مطلق

۴۵. تقی‌زاده، جواد، «شرایط عام انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه مازندران، شماره‌های ۲ و ۳، پاییز ۱۳۸۵، ص ۶۱.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

تقسیم کرد^{۴۶}. صیانت از برابری داوطلبان در شرایط ایجابی انتخاب پذیری و برابری داوطلبان در انتخاب ناپذیری نسبی از دغدغه‌های شورای نگهبان در فرایند بررسی مصوبات انتخاباتی بوده اند. نقض اصل برابری داوطلبان در برابر خدمات عمومی توسط مصوبه انتخاباتی مجلس نیز از دلایل مطرح شدن اصل برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات بوده است.

۲-۱-۱- برابری داوطلبان در شرایط ایجابی انتخاب پذیری

ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی شرایط ایجابی داوطلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تعیین می‌کند. برخی از بندهای این ماده با تغییرات متوالی و مکرر مجلس شورای اسلامی مواجه شده‌اند. یکی از این بندها به شرط دانایی یا سواد داوطلبان نمایندگی مجلس اشاره دارد. دو مورد از مهم‌ترین تغییرات این بند که با ایراد مغایرت با قانون اساسی مواجه شده‌اند در اینجا ذکر می‌گردند.

بند ۵ ماده ۱۲ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۵ یکی از شرایط داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی را داشتن «حدافل مدرک کارشناسی و یا معادل آن» می‌دانست. شورای نگهبان این بند را مغایر با بند ۹ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی اعلام کرد^{۴۷}. به نظر شورای نگهبان بند ۵ فوق‌الذکر نسبت به کسانی که مدرک کارشناسی یا معادل آن را ندارند و قصد داوطلبی مجلس را دارند تبعیض نارواست زیرا این افراد را از داوطلبی در انتخابات محروم می‌نماید. در پی اصرار مجلس شورای اسلامی بر مصوبه خویش، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شد و مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴۶. تقی زاده، جواد، «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه».

مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۲.

۴۷. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۱۰، همان، ص ۱۱۰۹.

شرط «سواد خواندن و نوشتن به قدر کافی» که در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲ وجود داشت، را حفظ کرد^{۴۸}. این شرط در اصلاحات بعدی قانون انتخابات مجلس تغییر یافت.

اگر نگاه به نمایندگی مجلس به عنوان یک وظیفه و مسئولیت باشد و اگر به این مساله توجه شود که یک نماینده‌ی مجلس نماینده تمام ملت است و لذا باید دارای برخی شایستگی‌ها و قابلیت‌ها باشد تا صلاحیت نمایندگی ملت را پیدا کند، دیگر شرط داشتن مدرک کارشناسی و یا معادل آن تبعیض ناروا تلقی نمی‌گردد. چگونه می‌توان از نماینده‌ای کم‌سواد انتظار داشت تا وظایف نمایندگی خود، خصوصاً قانون‌گذاری و نظارت بر دولت، را به نحو مطلوب انجام دهد^{۴۹}. نمایندگان باید از میان عامه‌ی مردم دست‌چین شوند و همین خصلت برگزیدگی طبعاً شرایط خاصی را ایجاد می‌کند^{۵۰}. به این ترتیب افزایش یا کاهش سطح سواد لازم برای داوطلبی نمایندگی مجلس نباید تبعیض ناروا محسوب شود. تبعیض ناروا وقتی است که چنین شرطی برای برخی از داوطلبان لازم نباشد. در ماده‌ی ۱۲ اصلاحی مجلس تبعیض ناروا وجود داشت، اما نه در آن بخش از مصوبه که شورای نگهبان اشاره کرده است. مطابق تبصره‌ی ۲ الحاقی به ماده‌ی ۱۲: «کسانی که یک دوره‌ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی را گذرانیده‌اند» از شرط داشتن مدرک کارشناسی یا معادل آن مستثنی بوده‌اند^{۵۱}. مستثنی نمودن اشخاص دارای سابقه نمایندگی مجلس، از شرط داشتن مدرک کارشناسی تبعیض ناروا بوده است. بنابراین شورای نگهبان به درستی تبعیض ناروا را به عنوان دلیل مغایرت مصوبه مجلس با قانون اساسی بیان داشت اما به جای تبصره ۲ ماده ۱۲، بند ۵ آن را متضمن تبعیض ناروا دانست. شرط میزان سواد در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب

^{۴۸}. همان، ص ۱۱۱۲.

^{۴۹}. تقی زاده، جواد، «همان، ص ۷۶».

^{۵۰}. قاضی، سید ابوالفضل، همان، ص ۳۱۰.

^{۵۱}. نک: مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۱۰، همان، ص ۱۱۰۰.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

۱۳۷۸/۹/۷ به «حداقل مدرک فوق دیپلم و یا معادل آن» تبدیل شد. این شرط، طی اصلاحیه قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ به «داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن» تغییر یافت. پس از آن به موجب ماده ۵ قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۶ متن زیر به عنوان تبصره ۳ به ذیل ماده ۲۸ الحاق گردید: «هر دوره‌ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می‌شود». این تبصره نیز با ایراد شورای نگهبان مواجه نشد. لحاظ هر دوره نمایندگی مجلس به عنوان معادل یک مقطع تحصیلی برای انتخابات به نظر تبعیض‌آمیز می‌آید و شایسته بود که شورای نگهبان این مقرر را به جهت مغایرت با اصل برابری شهروندان در بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی، مغایر با قانون اساسی اعلام می‌کرد^{۵۲}.

۲۰

تبصره ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۸ توسط مجلس شورای اسلامی تفسیر شد. طرح استفساریه ارایه شده توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شرح ذیل بوده است: «با توجه به اصل ۶۳ قانون اساسی که هر دوره نمایندگی را چهار سال می‌داند آیا منظور قانون‌گذار در تبصره ۳ ماده ۲۸ قانون موضوع استفساریه از دوره‌ی نمایندگی طی مدت چهار سال می‌باشد یا شامل نمایندگان میاندوره‌ای هم می‌شود؟» در مصوبه تفسیری مجلس شورای اسلامی «یک بار نمایندگی در هر دوره و لو به میزان کمتر از چهار سال از جمله نمایندگی میاندوره‌ای» از مصادیق تبصره ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اعلام گردید^{۵۳}.

مطابق مصوبه تفسیری مجلس، نمایندگان منتخب در انتخابات میاندوره‌ای یا نمایندگانی که دوره‌ی چهار ساله نمایندگی‌شان هنوز تکمیل نشده بود. در موضع برابر با نمایندگان دارای سابقه‌ی چهار سال کامل نمایندگی قرار می‌گرفتند و

^{۵۲}. تقی زاده، جواد، همان، صص ۶۷-۶۶.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

می‌توانستند از این طریق کمبود یک مقطع تحصیلی خویش برای داوطلبی در انتخابات را جبران کنند. شورای نگهبان، اطلاق یک دوره‌ی نمایندگی به کمتر از چهار سال را به دلیل ایجاد نابرابری بین داوطلبان نمایندگی مجلس تبعیض ناروا و مغایر با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اعلام کرد^{۵۴}. مصوبه‌ی تفسیری مجلس با اصل ۶۳ قانون اساسی که مطابق آن دوره‌ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است، نیز مغایرت داشت.

۲-۱-۲- برابری داوطلبان در انتخاب ناپذیری نسبی

انتخاب ناپذیری، در صورتی نسبی است که به دلایل شغلی، شخص نتواند در هیچ یک از حوزه‌های انتخابیه یا برخی از آنها داوطلب شود مگر زمانی که از شغل یا مقام خویش قبل از انتخابات استعفاء دهد^{۵۵}. شرایط انتخاب ناپذیری نسبی شرایطی است که هدف آنها اصولاً جلوگیری از داوطلبی افرادی است که داوطلبی آنها آزادی رأی دهندگان یا برابری داوطلبان را خدشه دار می‌کند^{۵۶}. صیانت از برابری داوطلبان در انتخاب ناپذیری نسبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱)، انتخابات ریاست جمهوری (۲) و انتخابات شوراهای اسلامی محلی (۳) از دغدغه‌های شورای نگهبان در فرایند بررسی مصوبات انتخاباتی بوده است.

۲-۱-۲-۱- در انتخابات مجلس شورای اسلامی

ماده‌ی ۲ طرح قانونی اصلاح مواد ۱۵، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۶۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۱۷ مقرر می‌داشت: «اشخاص و مقامات

^{۵۴} . http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state/797401?fk_legal_draft_oid=792398

^{۵۵} . تقی زاده، جواد، «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»، همان، ص ۷۲.

^{۵۶} . تقی زاده، جواد، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، حقوق اساسی، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۵، ص ۶۱.

زیر به لیست اشخاص و مقامات مقرر شده در شق الف بند ۱ اضافه می‌گردد و نخست وزیر و اعضای شورای عالی قضایی مقرر شده در آن حذف می‌گردد: معاونین رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و معاونین و مشاورین وی، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین آنها، رؤسای سازمانها و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مرکز و استانها، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی، مدیران عامل شرکتهای دولتی در مرکز و استانها، رؤسا و سرپرستان سازمانهای دولتی در مرکز»^{۵۷}.

شورای نگهبان در مقام بررسی اساسی بودن مصوبه مذکور، اعلام کرد: «نظر به اینکه ملاک محدود کردن افراد شاغل در مشاغل مختلف، جهت داوطلب شدن در انتخابات به استعفا از شغل خود، رفع شبهه‌ی سوء استفاده از مقام و امکانات دولتی است و این ملاک در مقامات دیگری نیز که از آنان ذکری نشده، وجود دارد. اطلاق شق الف بند ۱ ماده‌ی ۲ اصلاحی در مورد محرومیت مدیران عامل شرکتهای دولتی از شرکت در انتخابات، قبل از استعفا در سراسر کشور تبعیض ناروا محسوب و مغایر قانون اساسی شناخته شد»^{۵۸}. انتخاب ناپذیری نسبی از مقامها و مشاغل افراد نشأت می‌گیرد و هدف این است که امکان سوءاستفاده از قدرت به منظور دستیابی به سمت ناشی از انتخابات از بین برود^{۵۹}. لذا شورای نگهبان اشاره نموده‌است که می‌بایست تمام صاحبان مقامات و مشاغل که امکان سوء استفاده از آنها در جریان انتخابات وجود دارد، در دایره‌ی انتخابات ناپذیران نسبی قرار گیرند تا تبعیض ناروا تحقق نیابد. در واقع برغم ذکر مدیران عامل شرکتهای دولتی در دایره انتخاب ناپذیران نسبی مقاماتی مهمتر از این افراد که

۵۷. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، ج ۱۱، تهران، دادگستر، چاپ اول.

پاییز ۱۳۸۵، ص ۴۹۹.

۵۸. همان، ص ۴۵۲.

۵۹. تقی زاده، جواد، «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه».

همان، ص ۷۲.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

می‌بایست در دایره‌ی انتخاب ناپذیران نسبی قرار می‌گرفتند در مصوبه مجلس وجود نداشتند. این امر تبعیضی بوده است، به نفع برخی از مقامات که نام آنها در مصوبه‌ی مجلس وجود نداشت و به ضرر مدیران عامل شرکت‌های دولتی که برغم اقتدار کمتر نسبت به آنها، مشمول انتخاب ناپذیری نسبی شده بودند.

۲-۱-۲-۲- در انتخابات ریاست جمهوری

شورای نگهبان، طرح اصلاح ماده‌ی ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵/۱/۲۶ که مقرر می‌داشت: «اعضای هیأت دولت، اعضای شورای عالی قضایی، شورای نگهبان و مدیر عامل صدا و سیما در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و در آن سمت شاغل نباشند» را به دلیل ایجاد تبعیض ناروا مغایر با قانون اساسی اعلام کرد^{۶۰}. در مقام ایراد به این مصوبه‌ی مجلس، شورای نگهبان بیان داشت: «چون مبنای تصویب اصل ماده‌ی تنزه انتخابات از توهّم سوء استفاده از مقام است و این ملاک در بسیاری از صاحبان مقام دیگر نیز هست، منحصر نمودن استعفاء به عناوین مذکور، تبعیض ناروا و خلاف قانون اساسی است»^{۶۱}. یکی از دلایل اصلی حساسیت شورای نگهبان در این مورد و اعلام تبعیض ناروا این است که در متن قبلی قانون که به تأیید شورای نگهبان رسیده بود، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز قرار داشتند و استعفا و عدم اشتغال آنان به سمت نمایندگی نیز برای داوطلبی در انتخابات ریاست جمهوری لازم بود^{۶۲}. استعفا از مقام جهت داوطلب شدن برای انتخابات، به این هدف است که صاحبان مقام نتوانند آزادی انتخابات را خدشه دار کنند و با سوءاستفاده از مقام خود بر جریان صحیح انتخابات و سلامت آن تاثیر گذارند،

^{۶۰}. حسین مهرپور، همان، ص ۸۱۴.

^{۶۱}. همان.

^{۶۲} ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ مقرر می‌داشت: «اعضای هیأت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای عالی قضایی و شورای نگهبان در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و در آن سمت شاغل نباشند».

آزادی رأی‌دهندگان و برابری داوطلبان را بر هم‌زنند و شبهه‌ی عدم سلامت انتخابات را ایجاد نمایند^{۶۳}. برای تأمین چنین منظوری لازم است همه کسانی که امکان سوءاستفاده‌ی آنها از مقامشان وجود دارد پیش از داوطلبی برای انتخابات از سمت خود استعفا دهند. از نظر شورای نگهبان ماده‌ی ۳۷ اصلاحی بسیاری از این مقامات را احصاء نمی‌نمود و لذا عدم ذکر این مقامات ایجاد تبعیض بین آنها و سایر مقاماتی بوده که استعفای آنها برای داوطلبی در انتخابات ریاست جمهوری لازم بوده است. پیرو ایراد شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی از ذکر عناوین جزئی انتخاب‌ناپذیران خودداری نمود و ماده ۳۷ را به ترتیب ذیل تغییر داد: «کلیه افرادی که مسئولیت مستقیمی در امر انتخابات ریاست جمهوری به صورت اجرا و یا نظارت دارند، در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و در آن سمت شاغل نباشند»^{۶۴}.

اصل برابری در قانون اقتضا دارد که موارد انتخاب‌ناپذیری نسبی به صورت مانع و جامع پیش‌بینی شوند به این معنا که اولاً تنها صاحبان مشاغل و مقاماتی که امکان سوءاستفاده آنان از اقتدارشان در رقابت انتخاباتی وجود دارد، انتخاب‌ناپذیر باشند، ثانیاً تمام صاحبان مشاغل و مقاماتی که از اقتدار لازم برای متأثر کردن رأی‌دهندگان و در نتیجه خدشه‌دار کردن برابری داوطلبان برخوردارند، انتخاب‌ناپذیر باشند^{۶۵}. شرط انتخاب‌ناپذیری نسبی در مصوبات مربوط به انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به دلیل محدود نمودن دایره انتخاب‌ناپذیران نسبی و یا به عبارتی به جهت جامع نبودن با ایراد تبعیض ناروا مواجه شده است؛ اما این ایراد به مصوبات مربوط به انتخابات شوراهای اسلامی محلی به علت جامع و مانع نبودن بوده است.

۶۳. تقی زاده، جواد، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه».

همان، ص ۸۳.

۶۴. تقی زاده، جواد، «انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **مدرس علوم انسانی**،

دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۴۵.

۶۵. کریم زاده، طیبه، همان، ص ۱۳۸.

۲-۱-۲-۳- در انتخابات شوراهای اسلامی محلی

ماده ۱۲ لایحه اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵/۲/۳۰ مقرر می‌داشت: «اشخاص زیر بواسطه‌ی مقام و شغل خود از داوطلب شدن محروم هستند: ۱- رئیس جمهور و مشاورین وی، نخست وزیر و وزرا و معاونین و مشاورین آنان، اعضای شورای نگهبان، اعضای شورای عالی قضایی، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس بازرسی کل کشور و شاغلین نیروهای مسلح در سراسر کشور مگر آنکه دو ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند. ۲- ائمه‌ی جمعه دائمی، دادستانها، دادیارها، قضات، استانداران و مشاورین و معاونین آنان، مدیران کل و سرپرستان ادارات کل، فرمانداران، بخشداران، شهرداران، سرپرستان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی و جهاد سازندگی سراسر کشور و مدیران صدا و سیما جمهوری اسلامی در حوزه‌ی مأموریت خود، مگر اینکه دو ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند»^{۶۶}.

شرط انتخاب‌ناپذیری نسبی در این ماده به دو علت جامع و مانع نبودن توسط شورای نگهبان متضمن تبعیض ناروا و مغایر با قانون اساسی شناخته شده است. مانع نبودن این ماده به این دلیل بوده است که افرادی را وارد دایره انتخاب‌ناپذیران نسبی می‌نمود که لزومی نداشت در این دایره قرار گیرند و جامع نبودن این ماده نیز به این دلیل بوده است که افرادی را که می‌بایست در دایره‌ی انتخاب‌ناپذیران نسبی قرار گیرند، در این دایره جای نمی‌داد. شورای نگهبان اعلام داشت: «مستفاد از ظاهر ماده ۱۲ این است که محرومیت اشخاص از داوطلب شدن به لحاظ تأمین سلامت انتخابات و جلوگیری از اعمال نفوذ و سوءاستفاده از مقام است، حصر محرومیت مذکور نظر به اینکه ملاک مزبور به وضوح در بعضی افراد ذکر شده، وجود ندارد و در بعضی از اشخاصی که در این بند ذکر نشده است به طور مساوی یا

^{۶۶}. مهرپور، حسین، همان، ص ۸۳۹.

اقوی وجود دارد، متضمن تبعیض و مغایر با قانون اساسی است»^{۶۷}.

مجلس شورای اسلامی در مقام رفع ایراد شورای نگهبان اصلاحیه‌ی ماده‌ی ۱۲ را بدون ذکر مقامات مشمول انتخاب ناپذیری نسبی تدوین کرد. مطابق ماده ۱۲ اصلاحی: «مسئولین اجرایی و نظارتی انتخابات شوراهای اسلامی کشوری از داوطلب شدن محرومند»^{۶۸}. اصلاحیه‌ی مجلس شورای اسلامی تا حدودی ایراد تبعیض ناروا را برطرف کرد اما به گونه‌ای تنظیم شده است که از ذکر عناوین برخی مقاماتی که می‌بایست در دایره‌ی انتخاب ناپذیران نسبی قرار گیرند را غفلت نموده و لذا ورود آنها را به صحنه‌ی انتخابات بدون هیچ قیدی تجویز کرده است. به عبارت دیگر، بسیاری از صاحبان مقامات و مشاغل در دایره‌ی مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات شوراهای اسلامی محلی جای نمی‌گیرند اما مسئولیت آنها به گونه‌ای است که با حضور در رقابت انتخاباتی می‌توانند آزادی رأی دهندگان و برابری داوطلبان را خدشه دار نمایند. لذا «تأمین سلامت انتخابات و جلوگیری از اعمال نفوذ و سوءاستفاده از مقام» به صورت مناسب تأمین نمی‌گردد. شورای نگهبان برغم این ایراد ماده‌ی ۱۲ اصلاحی را تایید نموده است.

دایره‌ی انتخاب ناپذیری نسبی به همین صورت باقی نمانده است. زیرا انتخاب ناپذیران نسبی در ماده‌ی ۲۸ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ به صورت گسترده شمارش شده‌اند. برغم گستردگی دایره‌ی انتخاب ناپذیران نسبی، هنوز هم شمارش انتخاب ناپذیران به صورت جامع و مانع نیست. مثلاً تمام شاغلین در شهرداری‌ها و موسسات و شرکتهای وابسته به آنها در انتخابات شورای شهر محل خدمت خویش انتخاب‌ناپذیر می‌باشند و حال آنکه بسیاری از صاحبان این مشاغل از هیچ اقتدار تأثیرگذار بر جریان انتخابات برخوردار نیستند. بهتر بود که قانونگذار این دسته از اشخاص را در وضعیت منع جمع مشاغل قرار می‌داد تا در صورت انتخاب شدن برای شورای شهر، بین شغل

^{۶۷}. همان، ص ۸۳۸.

^{۶۸}. همان، ص ۸۴۱.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

قبلی و عضویت در شورای شهر، یکی را و یا الزاماً عضویت در شورای شهر را بپذیرند^{۶۹}. با وجود این، برخی اشخاص مانند ائمه جمعه برغم اقتدار و تأثیرگذاری‌شان بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی در دایره‌ی انتخابات ناپذیری نسبی قرار نگرفته‌اند^{۷۰}.

علاوه بر ایراد نابرابری داوطلبان در انتخاب‌پذیری و انتخاب‌ناپذیری که تنها در حوزه‌ی انتخابات مطرح می‌شود، نقض اصل برابری در برابر خدمات عمومی نیز از ایرادات شورای نگهبان بر مصوبات انتخاباتی مجلس بوده‌است.

۲-۱-۳- برابری داوطلبان در برابر خدمات عمومی

طرح قانونی اصلاح یک تبصره و الحاق چند تبصره به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۲۰ به نظر شورای نگهبان متضمن تبعیض ناروا بوده است. تبصره‌ی ۲ الحاقی به ماده‌ی ۴۷ این قانون در خصوص نمایندگان مجلس شورای اسلامی که داوطلب نمایندگی برای دوره‌ی تقنینیه بعدی بوده اند، مقرر می‌داشت: «نمایندگان مجلس می‌توانند فرم داوطلبی را از وزارت کشور دریافت و پس از تکمیل به وزارت کشور ارجاع نمایند»^{۷۱}. شورای نگهبان تبصره‌ی فوق را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد.

مراجعه نمایندگان مجلس به شهرستانهای خود برای ثبت نام و اعلام داوطلبی در انتخابات مجلس می‌تواند با مشکلاتی از جمله عدم فرصت کافی و یا احتمال از اکثریت (دو سوم) افتادن مجلس و در نتیجه‌ی تعطیلی آن همراه شود. تبصره‌ی ۲ الحاقی به ماده‌ی ۴۷ به این دلیل پیش‌بینی شده بود که با ثبت نام نمایندگان در تهران از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری گردد، اما به شرح ذیل مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت: «تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۴۷ که برای نمایندگان مجلس

۶۹. تقی زاده، جواد، «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه».

همان، ص ۹۰.

۷۰. همان، ص ۹۳.

۷۱. مهرپور، حسین، همان، صص ۵۱۱-۵۱۰.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

امتیاز خاصی قائل شده و آنها را بر خلاف سایر کاندیداها معاف از مراجعه به حوزه‌ی انتخابیه می‌نماید، تبعیض ناروا و غیرعادلانه بوده و مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد»^{۷۲}.

به رغم توجیهات قابل ارایه برای تصویب تبصره‌ی مصوب مجلس، به نظر می‌رسد که ایراد شورای نگهبان دارای وجهت کافی است. تنها نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیستند که برای مراجعه به حوزه‌های انتخابیه‌ی خود در شهرستان‌ها، می‌توانند با مشکل مواجه شوند. ممکن است بسیاری از اشخاص متقاضی داوطلبی نمایندگی مجلس برای شهرستانها، ساکن و شاغل تهران بوده و برای مراجعه به شهرستان‌ها و ثبت نام با مشکلاتی مواجه باشند. اختصاص معافیت از مراجعه به حوزه‌ی انتخابیه برای ثبت نام نمایندگان مجلس مغایر با اصل برابری افراد در برابر خدمات عمومی^{۷۳} است. بر اساس این اصل کلیه‌ی اشخاص در بهره‌مندی از خدمات عمومی و اداری از حقوق مساوی برخوردارند^{۷۴}. لذا قانون باید به گونه‌ای وضع شود که در حل مشکلات همه داوطلبان نمایندگی مجلس یکسان عمل کند. برای حل این مشکل و رفع تبعیض، اصلاحیه‌ی مجلس شورای اسلامی مراجعه به وزارت کشور و ثبت نام در تهران را برای همه‌ی داوطلبان نمایندگی مجلس مجاز کرده است^{۷۵}.

۲-۲- صیانت از برابری بین حاضران پای صندوق‌های رأی

اعضای حاضر در پای صندوق‌های اخذ رأی شامل مجریان انتخابات، ناظرین شورای نگهبان و نمایندگان نامزدها می‌باشند.^{۷۶} در تبصره‌ی ماده‌ی ۲ طرح الحاق

^{۷۲}. همان، ص ۵۱۰.

^{۷۳}. Égalité devant le service public

^{۷۴}. هداوند، مهدی، اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.

^{۷۵}. مهرپور، حسین، همان، ص ۵۱۱.

^{۷۶}. نک: مواد ۴۰ و ۵۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ و ماده ۴ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۷ از بین سه گروه فوق، تنها تخلف ناظرین شورای نگهبان جرم‌انگاری شده بود که شورای نگهبان مصوبه‌ی مجلس را به این دلیل که فقط عمل ناظرین را جرم می‌دانست، تبعیض ناروا و خلاف بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اعلام کرد.^{۷۷} تبصره‌ی مورد ایراد شورای نگهبان مقرر می‌داشت: «ناظر شورای نگهبان در شعبات اخذ رأی موظف است نسبت به ممه‌ور نمودن برگ رأی به مهر نظارت اقدام کند. تخلف از این امر جرم محسوب می‌شود و متخلف به مجازات ۳ تا ۶ ماه حبس محکوم خواهد شد»^{۷۸}.

مهر نمودن برگ رأی، تنها وظیفه‌ی ناظران شورای نگهبان نیست. زیرا مسئولین اجرای انتخابات نیز باید برگه‌های رأی را به مهر هیأت اجرایی انتخابات ممه‌ور نمایند. مطابق بند ۱ قسمت چهارم (مرحله اخذ رأی) ماده‌ی ۶۵ آیین‌نامه اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۱ هیأت وزیران «پس از ثبت نام رأی دهنده، متصدی ثبت نام برگ رأی را پس از ممه‌ور نمودن به مهر انتخابات، از محل پرفراژ از تعرفه‌ی انتخاباتی جدا نموده و به رأی‌دهنده تسلیم می‌نماید تا نام و نام خانوادگی نامزد یا نامزدهای مورد نظر خود را بر روی آن بنویسد...». لذا جرم‌انگاری مهر نکردن برگه رأی، در صورت ضرورت، می‌بایست برای هر دو گروه مجریان و ناظرین انتخابات تصریح گردد تا به تبعیض ناروا منجر نشود. یکی از دلایل مهر نمودن برگ رأی توسط ناظران انتخابات می‌تواند ذینفع بودن این افراد و به هدف تأثیرگذاری بر جریان انتخابات باشد. قانونگذار انتخاباتی با جرم‌انگاری ممه‌ور نمودن برگ رأی توسط ناظرین در پی جلوگیری از مخدوش شدن نتیجه‌ی انتخابات بوده است. اما باید به این نکته توجه داشت که احتمال تخطی مجریان انتخابات از قواعد انتخاباتی بیشتر است. زیرا از یک سوی معمولاً

^{۷۷} نک: مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی،

ج ۹، تهران، دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵، ص ۶۲۰.

^{۷۸} همان، ص ۶۱۸.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

مجریان انتخابات در نتیجه‌ی انتخابات دارای نفع بیشتری می‌باشند^{۷۹} و از دیگر سوی، در خصوص نظارت بر انتخابات، غالباً سعی می‌شود مرجع ناظر متشکل از افرادی گردد که در نتایج انتخابات ذینفع نباشند^{۸۰}.

^{۷۹} نک: هاشمی، سیدمحمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۴۳۷.

^{۸۰} نک: هاشمی، سیدمحمد، «نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی»، **مدرس علوم انسانی**، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۸۲.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انتخاباتی در نظامهای حقوقی و سیاسی مختلف برگزاری صحیح انتخابات می‌باشد که با عنوان اصل «سلامت انتخابات» شناخته می‌شود. سلامت انتخابات جزو ذات اصول دموکراسی و بخش جدایی‌ناپذیر هر انتخابات آزاد و بی‌طرفانه‌ای است. انتخابات آزاد، بی‌طرفانه و رقابتی سنگ بنای حکومت‌های مبتنی بر نمایندگی است و بدون سلامت انتخابات، هیچ تضمینی برای انعکاس یافتن خواسته‌های رأی‌دهندگان در نتایج انتخابات وجود ندارد.^{۸۱} سلامت انتخابات نیازمند برقراری مجموعه‌ای از اقدامات و مکانیزم‌ها برای حمایت از اصول ارزشی انتخابات منصفانه است.^{۸۲}

نخستین گام در برقراری انتخابات صحیح و عادلانه تنظیم دقیق قواعد انتخاباتی است. قانونگذار اساسی در جمهوری اسلامی ایران برخی قواعد کلی مربوط به انتخابات را وضع نموده است. سایر قواعد انتخاباتی به استثنای قواعد انتخابات مجلس خبرگان، توسط مجلس شورای اسلامی وضع می‌گردد. مصوبات مجلس شورای اسلامی، استعداد نقض اصول و قواعد مقرر در قانون اساسی را دارند و شورای نگهبان به عنوان مرجع صیانت از قانون اساسی در برابر مصوبات مجلس شورای اسلامی، وظیفه سنگینی را در این خصوص عهده‌دار است. زیرا انتخابات مهم‌ترین راهکار تأمین جمهوریت نظام و اعمال اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش می‌باشد و اگر گام نخست در تأمین سلامت انتخابات، یعنی وضع قوانین انتخاباتی منطبق با قانون اساسی به درستی انجام نگیرد و پایه و اساس انتخابات صحیح و منصفانه برپا نگردد، دیگر نمی‌توان به برگزاری انتخاباتی سالم امیدوار بود. صیانت از حقوق انتخاباتی به خصوص حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان نیز نیازمند وضع قوانین انتخاباتی سازگار با قانون اساسی است. شورای نگهبان در

^{۸۱} سو نلسو، «مطالعات تطبیقی در باب سلامت انتخابات و صلاحیت انتخاب‌شوندگان»، ترجمه احمد رنجبر، مجلس و پژوهش، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۷۱.

^{۸۲} خسروی، حسن، همان، ص ۱۶۱.

بررسی مصوبات انتخاباتی مجلس، باید قواعد و اصول مختلف مقرر در قانون اساسی را مد نظر داشته باشد. اصول تفکیک قوا و برابری دو مورد از مهم‌ترین اصول نیازمند توجه شورای نگهبان در جریان بررسی مصوبات انتخاباتی می‌باشند زیرا عدم تأمین برابری در حقوق انتخاباتی به تضییع حقوق انتخابات کنندگان و انتخاب شونده‌گان منجر می‌شود و عدم دقت در صیانت از اصل تفکیک قوا باعث ورود نهادها و قوای برگزارکننده انتخابات به حوزه‌های صلاحیت یکدیگر می‌گردد. در این صورت ذینفع بودن برخی نهادها و مقامات عمومی برگزارکننده‌ی انتخابات در نتیجه انتخابات می‌تواند اثراتی منفی بر جریان صحیح انتخابات گذارد.

مقاله‌ی حاضر در مقام تحلیل مهم‌ترین مرحله -بعد از تدوین قواعد مربوط به انتخابات در قانون اساسی- در مسیر برپایی انتخابات صحیح و منصفانه یعنی مرحله‌ی وضع قوانین انتخاباتی بوده است. قوانین انتخاباتی باید مطابق با نظر قانونگذار اساسی وضع گردند تا زمینه‌های برگزاری انتخابات صحیح و منصفانه، به نحوی مطلوب تأمین شوند. لذا این مقاله با بررسی رویکردها و نظریات شورای نگهبان در خصوص دو اصل اساسی تفکیک قوا و برابری که بر سلامت انتخابات بسیار تأثیرگذار می‌باشند، میزان درستی یا نادرستی نظریات شورا و سازگاری این نظریات با اصول تفکیک قوا و برابری را تحلیل کرده و نقاط ضعف و قوت نظریات شورای نگهبان را به منظور آرایه‌ی نظریات آتی دقیق‌تر، تبیین نموده است. مهم‌ترین ایرادات شورای نگهبان بر مصوبات انتخاباتی مجلس به منظور صیانت از اصل تفکیک قوا، عبارت بودند از: تجویز حضور مقام قضایی در هیأت اجرایی انتخابات، نفی صلاحیت ولایی رهبری، اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی و اعطای صلاحیت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی به نمایندگان مجلس. که به نظر می‌رسد ایراد اخیر شورای نگهبان با قانون اساسی سازگار نبوده است، زیرا قانون اساسی مسئولیت تعیین نهاد ناظر بر انتخابات شوراهای اسلامی محلی را به قانون‌گذار عادی واگذار کرده است و قانون‌گذار عادی می‌تواند این مسئولیت را بر عهده‌ی نمایندگان مجلس بگذارد.

یکی از رویکردهای شورای نگهبان در صیانت از اصل تفکیک قوا در حوزه‌ی

انتخابات اشاره به صلاحیت ولایی رهبری است. اصل ۵۷ قانون اساسی در نظر حقوقدانان به عنوان نماد تفکیک قوا شناخته می‌شود، اما کمتر به عبارت «ولایت مطلقه امر» مذکور در این اصل توجه شده است. بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی قوای مقننه، مجریه و قضائیه تحت نظر «ولایت مطلقه امر» اعمال می‌گردند. شورای نگهبان در نظریات خود با استناد به این اصل و با اشاره به غیرشرعی بودن مصوبات مغایر با صلاحیت ولایی رهبری، عبارت «ولایت مطلقه امر» را معنا و تفسیر نموده است. بر اساس ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی قوای سه گانه مستقل از یکدیگرند. اما این قوا به طور مطلق مستقل نیستند زیرا تحت نظر ولایت مطلقه امر، اعمال صلاحیت می‌نمایند. اعطای صلاحیت تقنینی به مقامات اجرایی نیز از مهم‌ترین ایرادات شورای نگهبان بر مصوبات انتخاباتی بوده‌است. صیانت‌کنندگان از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خطر تمرکز قدرت در ید نهاد اجرایی توجه داشته و حساسیت خاصی به منظور جلوگیری از واگذاری صلاحیت قانون‌گذاری به نهاد اجرایی انتخابات نشان داده‌اند. همین حساسیت باعث شده است تا شورای نگهبان صلاحیت قوه مجریه برای تصویب آیین‌نامه تعیین نحوه‌ی انتخابات شوراهای اسلامی محلی را نیز با استناد به اصل ۱۰۰ قانون اساسی نفی نماید.

شورای نگهبان در مقام صیانت از اصل برابری در حوزه انتخابات معمولاً به «منع تبعیض ناروا» مذکور در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی استناد نموده‌است. استناد شورای نگهبان به تبعیض ناروا در مصوبات انتخاباتی مجلس به منظور اعلام مغایرت آنها با قانون اساسی، عمدتاً برای صیانت از برابری بین داوطلبان و در یک مورد برای صیانت از برابری بین حاضران پای صندوق‌های رأی بوده و تاکنون مسأله برابری بین انتخاب‌کنندگان در نظریات شورای نگهبان مطرح نشده‌است. برابری بین انتخاب‌کنندگان، ممکن است در مواردی از جمله برابری رأی انتخاب‌کنندگان مطرح گردد. به عنوان مثال وقتی جمعیت انتخاب‌کننده در یک حوزه‌ی انتخابیه تک کرسی مجلس شورای اسلامی دو برابر جمعیت انتخاب‌کننده در حوزه‌ی انتخابیه مشابه باشد. در این صورت ارزش رأی هر انتخاب‌کننده در حوزه‌ی انتخابیه دوم، دو برابر ارزش رأی هر انتخاب‌کننده در حوزه‌ی انتخابیه نخست می‌باشد و در

چنین وضعیتی اصل برابری بین انتخاب‌کنندگان نقض می‌شود^{۸۳}. شورای نگهبان در مقام صیانت از برابری داوطلبان در شرایط انتخاب‌پذیری، مصوبه‌ی تفسیری مجلس که یک بار نمایندگی در هر دوره و لو به میزان کمتر از چهار سال از جمله نمایندگی میان دوره‌ای را معادل یک مقطع تحصیلی برای شرکت در انتخابات مجلس می‌دانست، را به درستی متضمن تبعیض ناروا و مغایر با قانون اساسی اعلام کرده است. اما گاهی آرایه‌ی نظریات توسط شورای نگهبان، فاقد جامع‌نگری کافی است. به عنوان مثال شورای نگهبان شرط داشتن حداقل مدرک کارشناسی و یا معادل آن برای داوطلبان نمایندگی مجلس را تبعیض ناروا دانسته است. به نظر می‌رسد از آنجا که مدرک کارشناسی برای تمامی داوطلبان به صورت مساوی شرط شده بود، ایراد تبعیض ناروا صحیح نباشد. عدم رعایت برابری داوطلبان انتخابات مجلس در برخورداری از خدمات عمومی و عدم رعایت برابری بین حاضرین پای صندوقهای رأی در مصوبات انتخاباتی مجلس نیز از دلایل ایراد شورای نگهبان بوده اند. اما مهمترین دغدغه شورای نگهبان در صیانت از اصل برابری در حوزه‌ی انتخابات تأمین برابری داوطلبان در انتخاب‌پذیری نسبی بوده است و تعیین انتخاب‌ناپذیران نسبی توسط مجلس در هر سه انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی محلی با ایراد شورای نگهبان مبنی بر تبعیض ناروا مواجه شده است. این مسأله به علت آن است که تعیین دقیق انتخاب‌ناپذیران نسبی یا به عبارتی شناسایی تمام مقامات و مشاغل صاحب اقتدار در انتخابات کار مشکلی است و نیازمند مذاقه و اهتمام فراوان است. بنابراین احتمال جامع و مانع نبودن دایره‌ی انتخاب‌ناپذیران نسبی در مصوبات مجلس و ایراد شورای نگهبان به این مصوبات بالاست. این مصوبات همانگونه که شورای نگهبان نیز بیان می‌دارد به دلیل شمارش برخی از مشاغل فاقد اقتدار مؤثر در میان انتخاب‌ناپذیران

^{۸۳} نک: تقی زاده، جواد، **گفتارهایی در حقوق انتخابات سیاسی**، جزوه درس نظامهای انتخاباتی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نیمسال اول تحصیلی ۹۱-۹۰، صص ۱۷-۱۵.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

نسبی یا عدم شمارش همه‌ی مشاغل و مقامات صاحب اقتدار در دایره‌ی انتخاب ناپذیران نسبی، علاوه بر ایجاد تبعیض ناروا امکان سوءاستفاده از مقام توسط مقامات ذکر نشده در مصوبات مورد ایراد را در فرایند انتخابات فراهم می‌کردند.

صیانت از اصول برابری و تفکیک قوا در حوزه‌ی انتخابات و به طور کلی صیانت از اصول و قواعد مقرر در قانون اساسی در برابر مصوبات انتخاباتی مجلس، نخستین و مهمترین مرحله در برپایی صحیح و منصفانه انتخابات است. بنابراین شورای نگهبان به عنوان نهاد متصدی صیانت از اصول و قواعد مقرر در قانون اساسی وظیفه سنگینی در این خصوص دارد و ترسیم دقیق مرزهای صلاحیت قوای مختلف در انتخابات توسط شورای نگهبان و حساسیت این نهاد نسبت به رعایت اصل برابری در پیشگیری از تضییع حقوق انتخاباتی شهروندان بسیار تاثیرگذار است.

منابع

- بوشهری، جعفر، **حقوق اساسی**، جلد دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴
- بهنیا، مسیح، «تفکیک قوا در عمل، نگاهی اجمالی به مدل‌های تفکیک قوا در سه کشور ایران، امریکا، و فرانسه»، **مجلس و پژوهش**، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۴
- تقی زاده، جواد، «انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷
- «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»، **مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸
- «گفتارهایی در حقوق انتخابات سیاسی، جزوه درس نظامی انتخاباتی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نیمسال اول تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰
- «تقریرات درس تحولات حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، نیمسال دوم تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸
- الف، «شرایط عام انتخاب پذیری در انتخابات سیاسی»، **پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران**، شماره‌های ۲ و ۳، پاییز ۱۳۸۵
- ب، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، **حقوق اساسی**، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۵
- تقی زاده، جواد، و زرغامی، شبیر، «استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۸
- خسروی، حسن، **حقوق انتخابات دموکراتیک**، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

- شهبازی، خیرالله، «بررسی شرایط انتخاب شوندگان در حقوق ایران»،
مجلس و پژوهش، شماره ۳۸. تابستان ۱۳۸۲
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد ۱،
تهران، نشراداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی،
چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد ۲،
تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ
اول، زمستان ۱۳۸۰
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، تهران،
اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول،
زمستان ۱۳۸۰
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد
۲، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی،
چاپ اول، آذر ۱۳۶۴
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ اول،
تهران، دانشگاه تهران. ۱۳۸۲
- -----، حقوق اداری، تهران، سمت. ۱۳۷۹
- عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده
نوزدهم)، تهران، وزارت امور خارجه. ۱۳۸۲
- فاورو، لویی، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه علی اکبر گرجی، تهران،
چاپ اول، میزان. ۱۳۸۸
- قاضی، سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، میزان، چاپ
هجدهم. بهار ۱۳۸۴
- -----، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، میزان.

- کریم زاده، طیبه، اصل برابری در حقوق انتخابات سیاسی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز. شهریور ۱۳۹۰
- گرجی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، جنگل - جاودانه. ۱۳۸۸
- لک زایی، شریف، «مفهوم تفکیک قوا در ایران»، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۷. پاییز ۱۳۸۳
- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ج ۶. بهار ۱۳۸۲
- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ج ۹. پاییز ۱۳۸۵
- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ج ۱۰. پاییز ۱۳۸۵
- مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ج ۱۱. پاییز ۱۳۸۵
- مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵)، تهران، دادگستر، ج ۱. ۱۳۸۷
- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فردا. ۱۳۸۶
- نلسو، سو، «مطالعات تطبیقی در باب سلامت انتخابات و صلاحیت انتخاب شوندگان»، ترجمه احمد رنجبر، مجلس و پژوهش، شماره ۳۶. زمستان ۱۳۸۱
- ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، حقوق اساسی، شماره ۲. تابستان ۱۳۸۳

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات

- هاشمی، سیدمحمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، میزان، ۱۳۸۴

- «نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی»، **مدرس علوم انسانی**، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲

- هداوند، مهدی، **اصول حقوق اداری** (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸

- http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state/797401?fk_legal_draft_oid=792398.

اصول تفکیک قوا و برابری در نظریات شورای نگهبان در حوزه انتخابات